



The Approach of Jurisprudence and Iranian Criminal Policy toward Honor Killings: Challenges and Prevention

Davar Mahdavi¹, Hasan Aalipour^{*2}, Mohammad Ali Babaei³

1. Ph.D Student of Criminal law and Criminology, Ares International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal law and Criminology, Faculty of Law, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of law, Faculty of Social Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 107-116

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0119-8437

TELL: +989123515054

Email: hassan.alipour@gmail.com

Article history:

Received: 08 Feb 2023

Revised: 02 May 2023

Accepted: 05 May 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

Honor Killing,
Criminal Policy,
Prevention, Punishment.

ABSTRACT

Honor killings are one of the social problems and one of the forms of severe violence against women in some cities of Iran, which has many psychological, cultural and social destructive effects. In this paper, the question is: "what is the approach of jurisprudence and criminal policy toward honor killings has been, what are the challenges and solutions to prevent it?". This paper is descriptive and analytical, and the mentioned question has been investigated using the library method. The findings indicate that the type and amount of punishment for the perpetrators of honor killings that are accompanied by the mitigating excuse are the most important reasons for the increase in the occurrence of these murders. Therefore revision of these legal rulings and regulations can have a great impact in improving the way of dealing with honor killings and their killers. On the other hand, one of the important issues in the causes of this phenomenon is the culture of society. The culture of support for women and children in society must be strengthened through educational institutions such as schools and the media.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Mahdavi, D; Aalipour, H & Babaei, MA (2023). "The Approach of Jurisprudence and Iranian Criminal Policy toward Honor Killings: Challenges and Prevention" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 107-116.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می باشد.

مقدمه

قتل‌های ناموسی صورتی از خشونت علیه زنان محسوب می‌شود. مراد از قتل ناموسی اقدام به کشتن دختران یا زنانی است که متهم به داشتن رابطه نامشروع با مردان نامحرم هستند (قرائی مقدم، ۱۳۷۹: ۷۵) و یا زوج ادعا می‌کند که در فراش متعلق به خود زوجه را با فرد اجنبی دیده است که به آن قتل در فراش هم می‌گویند (مهرپور، ۱۳۸۸: ۲۲). از آنجاکه وقوع چنین قتل‌هایی به دلیل آمیخته بودن با حس غیرت و افتخار، و با ریشه‌داشتن در جهالت و تعصب مرتکبین خود نوعی مشروعیت به سلب حق حیات زنان به‌عنوان عضوی از اجتماع می‌انجامد و متعرض مهم‌ترین اصول انسانی در جوامع همچون حق حیات می‌گردد، ضرورت دارد تا جوامع انسانی با شناسایی دقیق علل و عوامل بروز چنین قتل‌هایی به اتخاذ تدابیر حقوقی و اجتماعی در پیشگیری از این جرم بپردازد (فدایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱).

در خصوص قتل‌های ناموسی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سیدسجاد کاظمی و احسان زر رخ، در مقاله‌ای به بررسی راهبردهای پلیس در پیشگیری از قتل‌های ناموسی پرداخته است (کاظمی و زر رخ، ۱۳۸۹). سهیلا ابراهیمی لویه نیز در مقاله‌ای، ماهیت قتل‌های ناموسی و رویکرد نظام حقوق بشر نسبت به آن را بررسی کرده است (ابراهیمی لویه، ۱۳۹۲). همچنین محدثه صادقیان لمراسکی، کیومرث کلانتری و ایرج گلدوزیان در مقاله‌ای، جواز قتل در فراش را با تأکید دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بررسی کرده‌اند (صادقیان لمراسکی و همکاران، ۱۳۹۸). باتوجه به اهمیت مطالعه این‌گونه قتل‌ها و چالش‌های موجود در مقابله با آن‌ها این مقاله به مطالعه قتل‌های ناموسی در فقه و حقوق و نیز بررسی چالش‌های پیش‌روی آن می‌پردازد. سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که رویکرد فقه و سیاست کیفری نسبت به قتل‌های ناموسی چگونه بوده و چالش‌ها و راهکارهای پیشگیری از این قتل‌ها کدام است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا رویکرد فقه و سیاست کیفری ایران نسبت به قتل‌های ناموسی بررسی شده و در ادامه از چالش‌ها و راهکارها بحث شده است.

۱- رویکرد فقهی نسبت به قتل‌های ناموسی

مشهور فقها معتقدند که هرگاه شوهری همسر خود را با مرد اجنبی در حال زنا دید و آن دو را به قتل برساند، اگرچه از نظر اخروی گناهی مرتکب نشده است؛ اما از نظر حقوقی زوج باید این مسأله را اثبات نماید. حال برای اثبات ادعای خود باید یا بینه اقامه کند یا اولیای دم، ادعای وی را تصدیق نمایند؛ زیرا اصل اقتضاء می‌کند که مجنی‌علیه مستحق قتل نبوده و عمل زنا که مورد ادعای قاتل می‌باشد، واقع نشده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۲۰).

شیخ طوسی در مبسوط در کتاب الدفع عن النفس و در واقع به دنبال فروع مربوط به دفاع مشروع، این مسأله را مطرح کرده و می‌گوید: «هرگاه شخصی مردی را در حال زنا با زن خود دید، درحالی‌که هر دو محصن بودند می‌تواند آن دو را به قتل برساند» (الطوسی، ۱۴۱۶، ۷۶/۸). مشاهده می‌گردد که شیخ طوسی جواز قتل زوجه با مرد اجنبی را تنها در حال احصان جایز می‌داند. از نظر شیخ طوسی تنها احصان زن کفایت نمی‌کند بلکه هر دو باید محصن باشند. شیخ طوسی درباره اینکه اگر تنها زن محصنه باشد و مرد اجنبی در شرایط احصان نباشد آیا قتل زن جایز است یا خیر، چیزی بیان نکرده اما اگر صرفاً به نص کلام ایشان توجه شود به نظر می‌رسد که ایشان مطلقاً قاتل به احصان هر دو هستند و در صورتی که تنها زن محصن باشد، قتل او جایز نیست.

در کنار علمایی که احصان را شرط جواز قتل می‌دانند، برخی دیگر معتقدند که شرط احصان برای تجویز قتل زانی و زانیه ضرورت ندارد. می‌توان گفت که علمایی که قاتل به‌ضرورت احصان برای زن و مرد هستند در پی محدود کردن حکم هستند و با بارکردن شروط اضافی درصدد کاهش احتمال وقوع چنین امری هستند. شهید ثانی معتقد است: «در مسأله قتل در فراش روایاتی وارد شده مبنی بر جواز قتل زوجه و مردی که با او زنا کرده است، خواه آن عمل منجر به رجم یا موجب شلاق باشد؛ چنانکه تفاوتی ندارد که زانی محصن (دارای همسر) یا غیر محصن باشد، زیرا روایات عمومیت داشته و شامل تمام این موارد می‌شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۷۹). محقق طباطبایی در این خصوص می‌نویسد: «روایت بر اطلاق خود باقی است،

۱ - «در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی‌علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطا شیهه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است».

ادعا که اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتول داشته و از مجازات معاف شده‌اند، پایمال می‌شود.

۳- چالش‌های سیاست کیفری نسبت به قتل‌های ناموسی

در این قسمت به بررسی چالش‌های سیاست کیفری در زمینه قتل‌های ناموسی پرداخته می‌شود.

۳-۱- جرم‌زا بودن

به‌طور کلی افراد عادی اطلاعات صحیحی از محتوای قوانین نداشته اما از وجود موادی که مرتبط با قتل‌های ناموسی در جامعه می‌باشد تا حدودی اطلاع و آگاهی دارند. آن‌ها می‌دانند که قانون‌گذار و یا محاکم اگر پرونده‌ای درخصوص ارتکاب یک قتل ناموسی باشد، با نگاهی متفاوت در مقایسه با دیگر پرونده‌های قتل عمدی به آن می‌نگرند و همین امر می‌تواند موجبات گرایش بیشتر آن‌ها به سمت قتل زنان باشد. برای مثال هرچند که مردم به ضوابط و شرایط کامل ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات احاطه ندارند، اما عموم جامعه از وجود این ماده و معافیت آن آگاهی کامل دارند و این آشنایی می‌تواند در تشویق و تحریک بیشتر آن‌ها کفایت کند. حتی به نظر می‌رسد آشنایی کامل به تمام ضوابط این‌گونه مواد تأثیرات منفی بسیار کمتری از وضعیت فعلی داشته باشد. دلیل این امر این است که اگر یک فرد به‌طور کامل بداند که در قانون ماده‌ای وجود دارد که به او اجازه قتل زن را می‌دهد ولی او باید بعداً به‌طور کامل شرایط و احکام زنا را به اثبات برساند، احتمالاً اثر تحریکی کمتری در او خواهد داشت تا این که فرد به‌طور ناقص بداند که در قانون مجازات اسلامی ماده‌ای وجود دارد که به او اجازه ارتکاب قتل به خاطر حفظ ناموس می‌دهد. زیرا در صورت دوم او به خاطر اطلاعات ناقص ممکن است تفسیرهای موسعی را از این حکم در ذهن خود به عمل آورد و مثلاً به دامنه مصادیق آن بیفزاید و آن را شامل خواهر یا دختر و یا دیگر زنان خانواده نیز بداند یا تصور کند که صرف رؤیت زنا توسط خود او کفایت خواهد کرد و هیچ ذهنیتی در مورد اثبات زنا آن‌هم با شرایط خاص در دادگاه ندارد (کاظمی سرکانه، ۱۳۸۸، ۶۸).

زنا دارای شرایطی خاصی است که عامه مردم از شرایط و درستی آن مطلع نمی‌باشند و این امر باعث افزایش قتل‌های

ناموسی گردیده است چه‌بسا ممکن است مرد همسر خود را در حال تقبیل یا مضاجعه با مرد اجنبی مشاهده کند و در همان حال آنان را به قتل برساند که این امر باعث می‌شود مرد (شوهر) به قصاص محکوم شود (خلیلی، ۱۳۹۱: ۶۷).

همچنین اگر مرد هر دو را به قتل برساند احراز این امر برای بازپرس پرونده که آیا واقعاً زن مکره بوده یا خیر بسیار دشوار به نظر می‌رسد و این مورد می‌تواند مفسده‌های فراوان در جامعه به وجود آورد که جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد و حتی راه را برای برخی افراد باز می‌گذارد که با توسل به این ماده اقدام به قتل نمایند، درحالی‌که فرد به قتل رسیده احتمالاً بی‌گناه بوده است و این می‌تواند عواقب خطرناکی داشته باشد. مطمئناً هدف قانون‌گذار و دستگاه قضایی اجرای عدالت است. لذا باید شیوه قانون‌گذاری به‌نجوی روشن باشد که راه را برای سوءاستفاده برخی افراد از این‌جور قوانین ببندد و یا حتی‌الامکان این‌جور مواد از قانون مجازات اسلامی ما در صورت صلاحدید حذف گردد.

۳-۲- نادیده گرفتن اصل برائت

اصل برائت یکی از اصول تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی است که مطابق آن هر کس بی‌گناه فرض می‌شود، مگر این که ارتکاب جرمی توسط او به اثبات برسد. در جریان رسیدگی‌های کیفری نیز متهم از این حق برخوردار است که بی‌گناه فرض شود تا این که ارتکاب جرم منتسب به او به‌موجب حکم قطعی دادگاه ثابت شود. با رعایت این اصل کرامت انسانی متهم رعایت می‌گردد و وی می‌تواند تا آخرین فرصت قطعی شدن حکم محکومیت خود از تمام امکانات دفاعی موجود بهره بگیرد (خالقی، ۱۳۸۸: ۴۰۶). اصل برائت در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی قرار گرفته است. بر اساس اصل ۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. در خصوص ماده ۶۳۰ می‌توان گفت که این ماده می‌تواند باعث به وجود آمدن سوءتفاهم‌هایی برای مردم، با توجه به عدم آگاهی و آشنایی کافی با قانون گردد و بعضی‌ها اصل را بر مجرمیت گذارده و

ارتباط تنگاتنگ اصل فوق‌الذکر بانظم عمومی، هرگونه تخطی از آن، بی‌نظمی و هرج‌ومرج را به دنبال خواهد داشت. و ثالثاً از آنجاکه نقض اصل برائت تنها در محکمه عادلانه امکان‌پذیر می‌باشد، اعطای این حق به افراد موجب از بین رفتن حقوق دفاعی متهم و بی‌اعتباری حکم است. تنها مرجع رسیدگی به دادرسی‌های جامعه دادگاه‌های یک کشور می‌باشد و از طرف دیگر قانون‌گذار اسلامی نیز بایستی پاسدار حریم و جان و مال و ناموس افراد جامعه در راستای عفت عمومی باشد و نبایستی به هر بهانه‌ای از این اصل عدول گردد (آقایی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

۳-۴- تعارض با انحصار اصل صلاحیت دولت در اعمال مجازات

از آنجاکه حاکمیت، نهادی است که نه‌تنها برتری و تفوق آن بر تمامی مردم درون جامعه و سایر قدرت‌های درون‌مرزی آن کشور احساس می‌گردد، بلکه مورد احترام و شناسایی کشورهای دیگر نیز می‌باشد و بالتبع او است که نه‌تنها مرجع دادرسی و حل‌وفصل اختلافات در یک کشور است، بلکه ورای افراد جامعه بایستی باشد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲/۱). جمهوری اسلامی ایران نیز با تبعیت از این اصل عام و پذیرفته‌شده، در اصل ۳۶ قانون اساسی خود مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد». نتایجی که از این اصل به دست می‌آید به‌این‌ترتیب خواهد بود که اولاً، قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران رسیدگی به دعاوی را مطلقاً و به‌صورت تام در اختیار محاکم و دادگاه‌ها قرار داده تا به‌هیچ‌عنوان حقی برای فرد در جهت رسیدگی و صدور حکم و اجرای مجازات به وجود نیاید و بدین‌وسیله حقی از کسی زایل نشود و جلوی هرگونه هرج‌ومرج گرفته شود. ثانیاً، نشان می‌دهد که قانون اساسی که با خود اصول اساسی و اولیه حکومت را به همراه دارد، ورای همه قوانین عمل خواهد نمود و قوانین عادی به‌هیچ‌وجه اجازه دادن اختیاری به افراد جهت صدور و اجرای حکم را نخواهند داشت. ثالثاً، اینکه ما با نظامی روبه‌رو هستیم که در آن قانون حرف اول را زده و روابط افراد با یکدیگر و با حکومت را قانون تعیین کرده و بدان نظم می‌بخشد. لذا میان قانون و امنیت رابطه منطقی و

در موارد مشکوک و یا حتی بر اساس حرف دیگران اقدام به قتل نمایند که بسیار خطرناک است و موجبات افزایش این‌گونه قتل‌ها را فراهم می‌نماید.

۳-۳- تعارض با حقوق دفاعی متهم

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با بیان دو اصل ۳۶ و ۳۷ از قانون اساسی ایران، به‌صراحت انحصار دولت در اصدار حکم را بیان نموده است و نشان می‌دهد که این اصول قابل عدول نمی‌باشند. طبق اصل ۳۷ قانون اساسی «اصل برائت است. هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». اصل انحصار صدور حکم توسط محاکم، حاوی این نکته است که صدور حکم تنها در صلاحیت دادگاه می‌باشد و هیچ شخصی نبایستی شخصاً به قضاوت و اجرای حکم بپردازد و اصل برائت نیز که به‌هیچ‌عنوان قابل نقض نیست، در محکمه عادل، از حقوق اساسی و بنیادین متهم بوده و متضمن حقوق و آزادی‌های متهم می‌باشد و توسط قوانین عادی قابل نقض نیست.

از لحاظ تاریخی نیز از زمان پیدایش دولت کشور و تکوین حقوق، ضرورت تأمین و حفظ امنیت نیز احساس شد و هنوز هم هر اقدام قانون‌گذاری بایستی در جهت حفظ نظم و امنیت در جامعه باشد و قانون‌گذاری برخلاف این اصل جایز نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۴۸۱). اصل انحصار اصدار حکم توسط محاکم مقتضی این امر می‌باشد که متهم بایستی در یک محکمه صالح مورد بازجویی قرار گرفته و صحت‌وسقم اظهارات او توسط قاضی صالح به قضاوت گذارده شده و سپس محاکمه گردد و حکم صادر گردد و قصاص قبل از محاکمه به‌هیچ‌عنوان قابل قبول و مشروع و قانونی نمی‌باشد.

از طرف دیگر مقنن بایستی به دنبال این باشد که بی‌عدالتی و بی‌قانونی را از بین ببرد و وجود این‌گونه مصادیق قتل با اعتقاد مهدورالدم بودن نمونه بارز بی‌عدالتی ماهوی می‌باشد، چراکه نه‌تنها در مرحله ماهوی، امر قضاوت را به فرد عادی سپرده، بلکه محاکمه را نیز به وی واگذار نموده است. بنابراین از اصول فوق این‌گونه برداشت می‌گردد که: اولاً قانون اساسی به هیچ فرد عادی اجازه محاکمه اعطا ننموده است و تنها قاضی صالح مجاز به این امر می‌باشد. ثانیاً به جهت

نحو در تشدید یا تخفیف مجازات مؤثر است توجه نمایند. عدالت با طرز تلقی مردم از حوادث و تصمیم‌گیری‌های احساسی بر پایه شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی متفاوت است و نباید با این مسائل آمیخته گردد.

بنابراین هرچند در نظر عامه مردم کشتن فرد مهدورالدم جایز تلقی می‌شود، لیکن این عمل می‌تواند جان افراد را دستخوش احساسات مردمی کرده و از شأن دستگاه قضایی بکاهد. تعارض این تبصره با اصل ۳۶ قانون اساسی به‌خودی‌خود مشکلات فراوان ایجاد نموده و موجب افزایش قتل‌های ناموسی گردیده است.

۴- راهکارهای پیشگیری از قتل‌های ناموسی

۴-۱- اصلاح قوانین

به نظر می‌آید که عدم هم‌سویی ماده ۶۳۰ ق.م.ا با ضروریات جامعه امروز که همانا ارتباط زنان با مردان دیگر می‌باشد و همچنین هم‌سو نبودن این ماده با عدالت و اصل برابری زن و مرد در پیشگاه الهی و اشاره به این موضوع مهم که این ماده به‌طور فاحشی با اصل برائت که در قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر آن تأکید شده است مغایرت داشته و درواقع اجازه قصاص قبل از محاکمه را به مرد می‌دهد، این پیشنهاد محل تأمل است که این ماده باید مورد بازنگری قرار گیرد و در صورت امکان تغییراتی اساسی در آن ایجاد شود که مردان بعضاً ناآگاه نتوانند با اتکا به این ماده جان انسانی گاه بی‌گناه را بگیرند و اینکه از طریق بالا بردن سطح آگاهی مردم به‌وسیله وسایل ارتباط جمعی همانند رادیو و تلویزیون و روزنامه و... خصوصاً افرادی که در نقاط خاصی از میهن ما زندگی می‌کنند که هنوز پای بند رسومات بعضاً غلط قبیله‌ای و عشیره‌ای هستند، از وقوع این‌گونه قتل‌ها جلوگیری گردد. البته قربانیان قتل‌های ناموسی هم زنان مقتول، هم مردان قاتل هستند پس هرگونه اقدام فرهنگ‌ساز و آگاهی‌دهنده باید به‌طور هم‌زمان و روی تمام افراد جامعه انجام شود.

۴-۲- فرهنگ‌سازی

یکی از مباحث مهم در علل وقوع این پدیده بحث فرهنگ جامعه است. باید بتوان از زنان و کودکان به نحو احسن حمایت کرد. قانون و مجازات هم تنها ابزار این حمایت نیست

مستقیم برقرار است. و درنهایت اینکه قانون‌گذار خواسته تا با ایجاد و اجرای این اصل راه بر هرگونه بی‌نظمی که نتیجه آن به هرج‌ومرج و خودسری افراد جامعه می‌رسد، بسته باشد و به این طریق از به وجود آمدن جرم و جرایم بیشتر جلوگیری نماید.

در مجموع، قانون‌گذار در این اصل به سه نکته توجه داشته است: اول اینکه صدور حکم در اختیار محاکم می‌باشد، دوم اینکه اجرای حکم و واکنش نیز بر عهده محاکم بوده و نکته سوم اینکه حاکمیت قانون در این فرایند کیفری بوده و نتیجتاً قانون اساسی نظام صدور و اجرای حکم را در انحصار قوه قضاییه و محاکم قرار داده است.

حال سه دلیل وجود دارد که بتوان گفت ماده ۳۰۳ ق.م.ا با قانون اساسی متعارض است. اولاً، ایجاد حقوق کیفری و ایجاد سیاست‌گذاری حقوقی، اجرای قانون و ارزش گذاردن به کرامت انسانی را می‌طلبد و این همان قانونی بودن حقوق کیفری است (میلانی، ۱۳۸۶: ۵۲) و بالتبع هرگونه مجازات و قصاص بایستی با رعایت تشریفات قانونی بوده و از قبل توسط قانون اعلام و ابلاغ شده باشد. چه از لحاظ حقوق بشری و چه از لحاظ قانونی این اصل مخالف اصل انحصار واکنش کیفری توسط دولت است، چراکه شاید نحوه اعمال مجازات از این طریق نیز مخالف کرامت و ارزش انسانی باشد. ثانیاً، اینکه این تبصره بدون اینکه نحوه و چگونگی اجرای مجازات را بیان نماید، اجازه کشتن افراد مهدورالدم را به‌تمامی افراد جامعه داده و این با وظیفه دولت و حاکمیت مبنی بر ایجاد و تأمین امنیت و حفظ نظم جامعه همخوانی ندارد. ثالثاً، اینکه وقتی قانون اساسی صدور حکم و اجرای مجازات را در صلاحیت محاکم قرار داده است، از آنجاکه در مسائل کیفری عدالت با مجازات پیوند خورده است و فلسفه مجازات فعلیت دادن به عدالت در جامعه است، بایستی هرگونه استثنایی را که عدول از این قاعده می‌باشد به‌صورت انگشت‌شمار و کاملاً صریح و روشن بیان نماید (ولیدی، ۱۳۸۲: ۴۰۶). لذا اجرای عدالت باید در انحصار دادگاه‌ها باشد تا در صدور حکم با توجه به خصوصیات مرتکب جرم و کیفیت عمل مجرمانه و توجه به نقش عوامل موجه جرم و سایر عواملی که به هر

حکم قانونی ممکن است آثار مخرب مختلفی را در پی داشت. ازجمله دلایلی که باعث می‌شود وجود این ماده با عدالت همسو نباشد این است که این اصل مخالف با اصل برائت می‌باشد و درواقع اجازه داده می‌شود که افراد بدون محاکمه زندگی خود را از دست بدهند. از سویی ممکن است شوهر در تشخیص مصادیق آن دچار اشتباه شده و یا از وجود چنین ماده‌ای به نفع خود و در جهت رسیدن به امیال مجرمانه خود استفاده کرده و دست به قتل بزند. در این رابطه درواقع زانی و زانیه برای شوهر مهدورالدم می‌باشند و شوهر می‌تواند آن‌ها را بدون مؤاخذه شدن به قتل برساند. در کمال تأسف می‌بایست اذعان داشت که ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در قانون جدید مجازات اسلامی در ماده ۳۰۲ تضمین شده است و این ماده جرم‌زا همچنان در نظام حقوق کیفری ما به‌عنوان یک نقصان که از مقتضیات زمانه ما به دور است ایفاء گردیده است.

همچنین ماده ۳۰۳ ق.م.ا ازجمله موادی است که می‌توان چنین اجازه‌ای را از آن برداشت کرد. چنانچه فرد در وصف مقتول مرتکب اشتباه گردد و نزد دادگاه ثابت نماید که اعتقاد صادقانه به مهدورالدمی مقتول داشته است، با استناد به این ماده از مجازات قصاص تبرئه می‌گردد.

علم حقوق درواقع علم تنظیم‌کننده روابط اشخاص می‌باشد و در این مسیر یکی از اهداف علم حقوق و وضع قانون این است که انتقام‌های شخصی و متعاقب آن مجازات خصوصی اشخاص به پایان برسد و برای مجازات متهمین تمهیداتی اندیشیده شود که فرد بتواند از خود دفاع کرده و پس از آن در صورت اثبات مجرمیت وی به مجازات برسد. اما با توجه به وجود چنین ماده‌ای قانون‌گذار درواقع بازگشتی دوباره به دوره انتقام شخصی کرده زمینه‌های بروز جرایم بیشتری را به وجود آورده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

بلکه باید فرهنگ حمایت و حفاظت از زنان و کودکان در جامعه تقویت شود؛ چه در نهادهای آموزشی مانند مدارس و چه در رسانه‌ها باید در این زمینه تلاش کرد و باید یک کار همه‌جانبه در این زمینه انجام شود. درست است که اصلاح قانون و تشدید مجازات، بازدارنده است؛ اما همه ظرفیت بازدارندگی مربوط به قانون و این مسائل، پ نیست بلکه فرهنگ نیز می‌بایست تقویت شود. به نظر می‌رسد برای کاهش این‌گونه جرایم موازی بافرهنگ‌سازی و تصحیح تفکر مالکیت زن، نیازمند رفع خلأهای قانونی برای حمایت از کرامت انسانی فارق از جنسیت اشخاص هستیم و امید است مجاری قانون‌گذاری به این مهم توجه و با تصویب قوانین بازدارنده موجبات کاهش جرایم مبتنی بر خشونت را فراهم آورند. پدیده قتل‌های ناموسی تنها یک عامل ندارد بلکه نتیجه زنجیره‌ای از عوامل به‌هم‌پیوسته و ناگسستنی است؛ اما مهم‌ترین علت بروز قتل‌های ناموسی را باید آداب و رسوم سنتی و قبیله‌ای یک جامعه دانست (کاظمی سرکانه، ۱۳۸۸، ۷۸)؛ به‌نحوی که تعلق فرد به جامعه سنتی که ارزش‌های خاصی در آن حاکم است، نقش انکارناپذیری بر گرایش او به سمت ارتکاب قتل‌های ناموسی ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

سیاست کیفری حاکم زمینه‌ساز قتل‌های ناموسی است. قانون‌گذار ممکن است با وضع یک ماده خود زمینه مساعدی را برای بروز برخی جرایم به وجود آورد و این موضوع ایراد بزرگی به یک نظام عادلانه کیفری است؛ به‌ویژه برای نظام‌های حقوقی که مدعی برقراری عدالت کیفری در ابعاد مختلف می‌باشد. یکی از مواد قانونی که خود می‌تواند منجر به وقوع و گسترش قتل‌های ناموسی شود ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است که این حق را به شوهر می‌دهد که در صورت مشاهده همسر خود و مردی دیگر در حال زنا، آن‌ها را به قتل برساند بدون اینکه برای عمل وی مجازاتی وضع شود. با بررسی مبانی این ماده می‌توان جواز چنین حکمی را در شرع اسلامی یافت. در شرع اسلامی برای ایجاد جواز قتل برای شوهر شرایطی وضع شده است و این‌گونه است که حتماً می‌بایست شوهر همسر خود و مرد دیگر را در حالت جماع بیابد. اما وضع این حکم به‌عنوان یک

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در نگارش این اثر یاری رسانده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- ابراهیمی لویه، سهیلا (۱۳۹۲). «بررسی ماهیت قتل‌های ناموسی و رویکرد نظام حقوق بشر نسبت به آن». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۲ (۲۳): ۱۳۸-۱۵۶.

- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۱۳). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. جلد پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

- اردبیلی، ملّا احمد (۱۴۱۶). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*. جلد سیزدهم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- آقای‌نیا، حسین (۱۳۸۵). *جرایم علیه اشخاص*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین علی بن احمد (۱۴۱۳). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه معارف اسلامی.

- خالقی، علی (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ سوم، تهران: نشر شهر دانش.

- خسرو دشتستان، عباس (۱۳۸۰). *بررسی قتل به اعتقاد مهدورالدم بودن*. پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید.

- خلیلی، علی (۱۳۹۱). *قابلیت بزه دیده‌زایی قوانین مربوط به خانواده در حقوق ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۳). *تحریر الوسیله*. جلد اول، قم: مکتبه اعتماد.

- خویی، حسین (۱۴۱۹). *شرح العروة الوثقی (مقدمه، تعریف اجتهد)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- صادقیان لمراسکی، محدثه؛ کلانتری، کیومرث و گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). «جواز قتل در فراش؛ تأکید دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای جواز قتل مهدورالدم». *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۹ (۴): ۱۵۹-۱۷۶.

- طباطبایی، سید علی (۱۴۰۴). *ریاض المسائل فی تحریر الاحکام بالادلة*. قم: مؤسسه آل‌البیت.

- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۱۶). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد هشتم، قم: منشورات دارالرضی.

- فدایی حیدری، مرضیه؛ اسلامیان، نرگس و کرمانی زاده، سائنا (۱۳۹۳). «علل و عوامل اجتماعی مؤثر بر وقوع قتل‌های ناموسی». *تهران: اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق*.

- قرائی مقدم، امان اله (۱۳۷۹). «قتل‌های ناموسی یا نهوه کردن در میان قبایل عرب خوزستان». *مجله حقوقی و قضایی دادگستری*، ۳۲: ۷۵-۹۲.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *مبانی حقوق عمومی*. چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

- کاظمی سرکانه، سجاد (۱۳۸۸). *مطالعه جرم شناختی قتل‌های ناموسی (مطالعه موردی: استان تهران)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

- کاظمی، سیدسجاد و زر رخ، احسان (۱۳۸۹). «راهنمای پلیس در پیشگیری از قتل‌های ناموسی». *مجله مطالعات پیشگیری از جرم*، ۵ (۱۵): ۱۶۳-۱۸۶.

- هاشمی، محمد (۱۳۸۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد اول، چاپ هجدهم، تهران: نشر دوران.

ب. منابع انگلیسی

- Kardam, F (2021). *The Dynamics of Honour Killings in Turkey*. Available at: <https://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/honourkillings.pdf>.

- مهرپور، حسین (۱۳۸۸). «سیری در مبانی حقوقی و فقهی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی». *فصلنامه مفید*، ۸: ۲۲-۲۸.

- میلانی، علیرضا (۱۳۸۶). *نگرش به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۲). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات خورشید.